



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ آبان ۸۹

موضوع کلی: مقدمات

مصادف با: ۲۲ ذی القعدة ۱۴۳۱

موضوع جزئی: سیر تدوین حدیث نزداهل سنت

جلسه: ۳

«الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین واللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

ما در دو جلسه گذشته پیرامون تأثیر حدیث در علوم اسلامی و موضوع علم رجال و تعرف علم رجال و تعریف درایه و موضوع درایه سخن گفتیم. بحثی که باقی مانده از رؤس ثمانیه مسئله غایت است که اشاره میشود.

غایه علم رجال:

این مسئله هم مهم است که هدف از یک علم و غایه از یک علم معلوم شود. تعریف تا حدی راهنمای به غایه هم بود اما برای اینکه تبیین بیشتری از غایه علم رجال به عمل بیاید در دو مقام راجع به غایه علم رجال میتوان سخن گفت:

اول: ثبوتاً، دوم: اثباتاً.

منظور از ثبوتاً یعنی با قطع نظر از ادله شرعی یعنی بدون لحاظ دلیل شرعی که به نوعی متکفل بیان غایه علم رجال باشد میخواهیم غایه علم رجال را معین کنیم.

اما ثبوتاً:

احکام شرعیه از دو منبع مهم اکثراً سرچشمه میگردد، مواردی که عقل حکم شرعی را بدست میآورد زیاد نیست، اجماع هم به نوعی بازگشت به سنت دارد چرا که ملاک حجیت اجماع از نظر ما کشف رأی معصوم است لذا بازگشت آن به نوعی به سنت است. در بین این دو دلیل کتاب سهمش در بیان احکام بسیار کم است آن هم در حد بیان کلیات و متضمن جزئیات احکام نیست، سنت هم یا به صورت خبر متواتر بیان میشود یا به صورت خبر واحد، حکایت از سنت به صورت خبری که مفید و علم یقین باشد خیلی کم است به دو صورت میتواند یک خبر مفید یقین باشد یا اینکه خبر متواتر باشد یا خبر واحد محفوف به قرائن قطعی باشد چون اگر خبر واحد یک قرینه قطعی به همراه آن باشد میتواند موجب علم و یقین باشد. اگر خبری به این دو صورت باشد و در دست ما باشد این به اعتبار اینکه مفید علم و یقین است حجیت دارد چون حجیت علم و یقین ذاتی است و جایی برای بحث ندارد. اما مشکل اصلی در این است که اخباری که به این شکل مفید علم و یقین باشند سهم آنها بسیار ناچیز است، پنج درصد و یا کمتر از آن هم به صورت متواتر یا خبر واحدی که مفید علم و یقین باشند نیست. پس باید برویم

سراغ خبر واحد یعنی بیش از نود درصد اخبار آحاد میباشند. خبر واحد هم از سه حال خارج نیست و سه احتمال در مورد خبر واحد میتوان داد:

احتمال اول: خبرهای واحد همه حجت هستند بلا استثناء.

احتمال دوم: اینکه تمام اخبار آحاد حجت نیستند.

احتمال سوم: بعضی از اخبار آحاد حجت و برخی دیگر حجت نیستند.

اما اینکه مدعی شویم همه اخبار آحاد حجتانند این باطل است و این امری است که بطلان آن ظاهر و نیاز به استدلال ندارد چون در میان اخبار آحاد اخباری هستند که اعتبار ندارند و واجد شرایط حجیت خبر نیستند. اینکه بگوییم خبر واحد کلاً حجت نیست، این نیز قطعاً باطل است. در بین اخبار آحاد قطعاً اخباری است که حجت است.

احتمال سوم باقی میماند که بگوییم بعضی حجت هستند و بعضی حجت نیستند و قول حق هم همین است چون مهمترین منبع استنباط احکام اخبار آحاد هستند و اخبار آحاد هم بعضاً حجت و بعضی حجت نیستند. ما ناچاریم خبر واحد حجت را از خبر واحد لاحجت تشخیص دهیم. چون نمیتوانیم برای کشف حکم شرعی به یک خبر واحد غیر حجت تمسک کنیم. شناخت خبر واحد حجت از لاحجت و تمییز این دو دسته اخبار از یکدیگر نیازمند علم رجال است و این علم رجال است که شرایط حجیت را برای ما سنداً از جهت وثاقت و عدالت و ضبط و امثال اینها معین میکند. بحث دلالتی خبر مربوط به اصول است مانند حجیت ظواهر و امثال اینها ولی آنچه که مربوط به سند و نقل خبر واحد میشود در دائره علم رجال است که برای ما تعیین میکند چه خبری حجت است و چه خبری لاحجت یعنی تمییز اخبار معتبره از غیر معتبره و هذا هو غایة علم الرجال.

این بیان با قطع نظر از ادله شرعی است یعنی ما ثبوتاً احتمالات را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که باید خبر واحد معتبر از غیر معتبر تمییز داده شود و علم رجال متکفل این کار است لذا مدعی هستیم غایة علم رجال تمییز خبر واحد معتبر یا خبر معتبر از خبر غیر معتبر از حیث سند است. تا اینجا موضوع و تعریف و غایة علم رجال معلوم و معین شد.

اما اثباتاً:

آیا اثباتاً دلیل بر این مطلب که غایة علم رجال تمییز خبر معتبر از غیر معتبر است وجود دارد یا نه؟ آنچه که می-توان به عنوان دلیل بیان کرد در اینجا یکی بعضی از آیات است و دوم بعضی از روایات است. از جمله آیات آیه «إن جائکم فاسقٌ بنباءٍ فتبیینوا» است که بر فرض دلالتش را بر حجیت خبر عادل یا خبر واحدی که قرینه بر صحت دارد بپذیریم نتیجه این آیه این است که خبر ثقة مما یؤخذ به است و غیر از خبر ثقة قابل اخذ نیست. سیره عقلا و متشرعه هم بر اخذ به خبر ثقة است، اگر آیه داریم سیره متشرعه و بنای عقلا هم بر این استوار شده که لایأخذ به

خبر غیر ثقة معنایش این است که خبر ثقة از تحت عموم نهی از ظن خارج شده و خبر غیر ثقة داخل در تحت عموم نهی از ظن باقی میماند، اگر بخواهیم به ظن حاصل از خبر اعتماد بکنیم ناچاریم خبر ثقة را از غیر ثقة بشناسیم. تمییز خبر ثقة از غیر ثقة بوسیله علم رجال است.

سؤال: آیا علم رجال فقط برای تمییز خبر واحد معتبر از غیر معتبر است یا اینکه شامل خبر متواتر هم میشود؟ استاد: وقتی که خبر متواتر را معنا میکنیم بطور دقیق یعنی خبری که عدد روایانش به حدی برسد که امکان تبانی آنها بر کذب و دروغ عادتاً وجود نداشته باشد، در خبر متواتر آن طوری که در خبر واحد تحقیق از حال روات می کنیم بحث سندی نداریم و بنظر دقیق باید خصوص خبر واحد را بگوییم یعنی خبر متواتر به یک معنا از دایره بررسی رجالی خارج است چون در خبر متواتر شرط این است که تعداد مخبرین به حدی برسد که احتمال تبانی بر کذب داده نشود لذا در اخبار متواتر به شرط اینکه شرایط تواتر در تمام طبقات رعایت شود موجب یقین است. آنچه مهم است عدم امکان عادی توافق بر کذب است. چون در مورد خبر ثقة فرض این است که دروغ نمیگوید و این فرض که بگویید در خبر متواتر، مخبرین باید ثقة باشند با این مطلب که تعداد مجزین به حدی باشد که امکان تبانی بر کذب نداشته باشند جور در نیاید.

آیا اینجا تعداد مخبرین وقتی به این اندازه باشند موجب یقین میشود ولو اینکه احراز ثقة بودن روایان نشود یا اینکه اگر این تعداد مخبر ثقة باشند این مجموعاً علم ایجاد میکند؟ آیا احراز وثوق در سلسله سند اخبار متواتر لازم است یا نه؟ ظاهراً در خبر متواتر آنچه مهم است احراز تواتر در همه طبقات است نه ثقة بودن آنها. پس در مجموع آیات دلالت بر حجیت خبر ثقة میکند، سیره عقلا و متشرعه خبر ثقة را برای ما حجت میکند و این خبر ثقة را میگوید مما یؤخذ به اما غیر از اینها داخل در تحت عموم نهی از عمل به ظن باقی میماند. پس بالاخره برخی از اخبار ممنوع الأخذ هستند و بعضی از آنها را میتوان اخذ کرد، ما باید اینها را به استناد ادله از هم تشخیص دهیم و این کار رجال است.

بعلاوه در باب تعارض روایاتی ذکر شده که به عنوان مرجحات معروف است مثلاً در بین دو روایت متعارض اورعیت و اوثقیة و اعدلیة ملاک است، پس این مرجحات باب تعارض که ذکر شده در واقع شرایط و ابزار ترجیح روایات از حیث روایان را مشخص میکند. کدام علم متکفل این جهت است و به بررسی این مرجحات میپردازد؟ علم رجال است که به این مسائل میپردازد. پس در واقع میتوان گفت که به دلیل آیه و روایت یا به تعبیر دیگر اثباتاً غایة علم رجال تمییز اخبار معتبر از غیر معتبر است.

مختصری در رابطه با تدوین حدیث لازم است که ذکر و بیان شود که اجمالاً اشاره به تاریخ تدوین حدیث خواهیم داشت.

«والحمد لله رب العالمین»